

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۵۱

۲۴ تیر ۱۴۰۰ / ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱

حقوق ما

ربایش مخالفان سیاسی  
از کشورهای خارجی

## در این شماره می‌خوانید:

### رژیم حقوقی ترور و آدم‌ربایی

### آدم‌ربایی‌های جمهوری اسلامی و استاندارد دوگانه اروپا و آمریکا در زمینه حقوق بشر

### آدم‌ربایی و جرایم مشابهِ برون مرز

### حقوق بین الملل و دستِ باز نهادهای امنیتی ایران در ربایش مخالفان

### آدم‌ربایی دولتی، وجهی از ماهیت جمهوری اسلامی

### ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: بهنام داریی‌زاده، رضا حاجی‌حسینی، نیره انصاری، جواد عباسی توللی،

نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

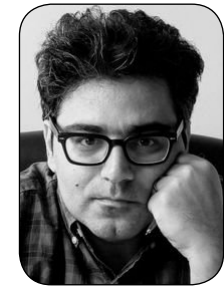
حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.





## رژیم حقوقی ترور و آدم‌ربایی



بهنام دارایی‌زاده

و در اتومبیل نمره دیپلماتیک گذاشته و به طرف ایران می‌آمدند، دستگیر شده‌اند و ترک‌ها خواستار خروج دودiplومات شده‌اند و سه نفر دیگر را حبس کرده‌اند. گفتم به مساله رسیدگی دقیق کنند و سعی نمایند سروصدا کم شود. روزنامه‌های ترکیه خبر را نوشته‌اند.» جمشید شارمهد، سخن‌گوی انجمن پادشاهی «تندر»، فرج‌الله جعب، از رهبران «حركة النضال العربی لتحرير الأحواز» و روح‌الله زم، روزنامه‌نگار مقیم پاریس، که در ایران محاکمه و در آذرماه ۱۳۹۹ اعدام شد؛ از آخرین قربانیان عملیات‌های آدم‌ربایی جمهوری اسلامی در خارج از کشور هستند. برنامه‌ریزی و اجرای این عملیات‌های اخیر از سوی مقام‌های مختلف جمهوری اسلامی تأیید شده است و رسانه‌های وابسته و دستگاه تبلیغاتی و پروپاگاندای حاکم از آن‌ها به عنوان «موفقیت‌ها امنیتی» نام برده است. بنابراین هرگونه مسئولیتی متوجه مقام‌های امنیتی و تصمیم‌گیران اصلی چنین عملیات‌هایی است.

روشن است که برنامه‌ریزی، اجرا و تأمین مالی چنین عملیات‌های مخفیانه و پُرشماری در خارج از کشور، نیاز به سازمان‌دهی، بودجه‌گذاری، تقسیم‌کار اطلاعاتی و البته تصمیم‌گیران مشخص دارد. این که چه سازمان‌ها و نهادهایی، در چه سلسله‌مراتب اداری-سازمانی، با چه توان مالی، تشکیلاتی یا امکانات مادی؛ هدایت چنین عملیات‌هایی را در خارج از کشور بر عهده داشته‌اند؛ به طور دقیق روشن نیست. شاید تنها شمار معدودی از دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای خارجی از دامنه و توان عملیاتی جمهوری اسلامی در خارج

بر پایه برخی از گزارش‌ها، از جمله [گزارش آخر وزارت خارجه آمریکا](#) و برخی از سازمان‌های حقوق بشری ایرانی، نظام جمهوری اسلامی از هنگام تثبیت قدرت خود در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۸۰ میلادی، دستکم در ۳۶۰ عملیات تروریستی و آدم‌ربایی در خارج از کشور دست داشته است. گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد که این عملیات‌ها در ده‌ها کشورهای مختلف، از جمله در آمریکای لاتین، اروپا، کشورهای متفاوت منطقه و جنوب شرق آسیا انجام شده است. تاکنون شمار زیادی از دیپلمات‌های ایرانی به واسطه عملیات‌های مخفیانه عوامل مرتبط با جمهوری اسلامی، زیر عنوان «عنصر نامطلوب»، در کشورهای مختلف جهان احضار یا اخراج شده‌اند.

واقعیت این است که دست داشتن عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی در عملیات‌های مختلف تروریستی و آدم‌ربایی در نقاط مختلف جهان امر ثابت شده‌ایی است. تاکنون شمار زیادی پرونده‌ی امنیتی-حقوقی در کشورهای مختلف تشکیل شده است که رد عوامل مرتبط با جمهوری اسلامی در آن‌ها محرز است. حتی در برخی از خاطرات و نوشته‌های مقام‌های بلند جمهوری اسلامی نیز به نقش عوامل وابسته به حکومت در عملیات‌های مخفیانه خارج از کشور اشاره شده است. برای نمونه [در خاطرات چهارم آبان‌ماه ۱۳۶۷ هاشمی رفسنجانی](#)، رئیس جمهوری وقت، آمده است: «دکترو لاییتی اطلاع داد که چند مامور ایران در ترکیه در حالی که یکی از سران منافقین را بازداشت کرده

از کشور مطلع باشند.

آیا تروریسم و آدم‌ربایی دولتی در ایران جرم است؟

**الف)** به مانند هر سیستم اداری-سازمانی دیگر، امکان «خطا»، «تخلف»، «خودسری»، «سو استفاده» و...، به‌ویژه در ساختار فاسد و ایدئولوژیکی نظیر جمهوری اسلامی وجود. پرسش مشخص حقوقی این است که اگر در خلال عملیات‌های تعریف شده اطلاعاتی-امنیتی، اعم از داخلی و خارجی، تخلف یا جرمی صورت گیرد، رسیدگی به اتهام‌ها و جرایم مطرح شده، در چه چهارچوب یا سازوکار حقوقی-قضایی صورت می‌گیرد؟

پیش از آن که به چهارچوب یا مقررات مشخصا «حقوقی» اشاره شود، ذکر این نکته لازم است که «آدم‌ربایی» و «ترور» فعالان سیاسی مخالف رژیم در خارج از کشور، نه تنها به خودی‌خود «جرم» قلمداد نشده است؛ بل که کارشکنی یا سرپیچی از اجرای چنین برنامه‌های نظامی-امنیتی می‌تواند «جرم» یا «تخلف سازمانی» محسوب شود!

واقعیت این است که رسیدگی به تمامی این اتهام‌ها، از جمله اتهام‌های مرتبط با عملیات‌های برون‌مرزی سپاه پاسداران، حتی اگر عامل یا عوامل عملیات «غیرایرانی» هم باشد در داخل ایران و در مراجع قضایی خاصی صورت پی‌گیری می‌شود. مراجعی که عموم مردم از فعالیت‌های آن بی‌خبرند و طبعاً نظارت‌های دموکراتیک و معناداری نیز بر عمل‌کرد

آن‌ها وجود ندارد.

برابر اصل اصل ۱۷۲ [قانون اساسی جمهوری اسلامی](#)، رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای [ارتش](#)، [نیروی انتظامی](#) و [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی](#)، [وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح](#) و بسیج و... بر عهده دادسراها و محاکم ویژه «نظامی» است.

در همین راستا، و بر پایه‌ی ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، «سازمان قضایی نیروهای مسلح» عهده‌دار رسیدگی به اتهام اشخاصی است که به واسطه‌ی «وظایف خاص نظامی»، مرتکب جرم شده‌اند. حال ممکن در خلال رقابت‌های سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی، افراد یا گروه‌هایی در میان نیروهای امنیتی-عملیاتی، «خودسر» قلمداد شوند و در نهایت ذیل همین قوانین کلی، به اتهام‌های مختلفی نظیر طرح‌های خودسرانه ترور و آدم‌ربایی، محاکمه و محکوم شوند.

**ب)** [اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح](#)، در مهرماه سال ۱۳۹۹، بر اساس نامه دفتر علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، صلاحیت قضایی این سازمان را به شرح ذیل اعلام کرد:

«۱- کلیه جرایم امنیتی مرتبط با خدمت برای نیروهای مسلح، از ناحیه کارکنان قراردادی یا کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته که مشمول مقررات نیروهای مسلح نیستند.

۲ جرایم مرتبط با اطلاعات طبقه‌بندی‌شده نیروهای مسلح، از ناحیه اشخاصی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تامین تجهیزات و تسلیحات نیروهای مسلح همکاری دارند.

۳ جرایم امنیتی کارکنان نیروهای مسلح، مرتبط با زمان اشتغال تا پنج سال پس از پایان خدمت.

۴ کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح.

۵ جرایم مرتبط با انجام وظایف خاص حفاظتی و انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت دستگاه‌های اجرایی.»

بر این اساس؛ اگر هر یک از ماموران اطلاعاتی یا عوامل مرتبط با سپاه پاسداران در خارج از کشور از ایفای وظایف یا ماموریت‌های سازمانی خود امتناع ورزند، بر پایه‌ی [فصل سوم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح](#)، مصوب دی‌ماه ۱۳۸۲، به سختی مجازات خواهد شد.

برای مثال، وفق بند الف ماده‌ی ۳۳ این قانون، مامورانی که با تبنای یا به صورت دسته‌جمعی از اطاعت فرماندهان یا روسای خود سرپیچی کنند؛ چنانچه مصداق «محارب» نباشند؛ هر یک به حبس از سه تا ۱۵ سال محکوم می‌شوند.

همین طور اگر یک مامور اطلاعاتی-عملیاتی جمهوری اسلامی در خارج از کشور، ۱۵ روز پس از فراخوان، خود را به سفارت، کنسول‌گری‌ها یا نماینده‌گی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور معرفی نکند؛ «فراری» محسوب می‌شود و وفق همین قانون، مجازات سختی در انتظارش خواهد بود.

واقعیت این است که در چهارچوب رژیم حقوقی ایران، هیچ قانون مشخص آشکاری که «عمومی» شده باشد و چهارچوب ماموریت‌ها، محدودیت‌ها و اختیارات عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی در خارج از کشور را نشان دهد؛ در دسترس نیست.

با این حال، روشن است که عدم اطلاع یا عدم دسترسی به چنین قوانین یا آیین‌نامه‌های «محرمانه‌ای»، به معنای نبودن آن‌ها نیست؛ قدر مسلم این است که چنین قوانینی وجود دارد و سرپیچی از آن‌ها، برابر [مقررات آمده در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح](#)، پی‌گرد حقوقی-کیفری دارد.

### روابط دیپلماتیک و تروریسم دولتی

روابط دیپلماتیک میان کشورها مستلزم احترام و رعایت عُرف و حقوق بین‌الملل است. هرچند کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، درباره‌ی روابط سیاسی و دیپلماتیک، قائل به مصونیت قضایی دیپلمات‌های طرفین است؛ اما ملاحظات مشخصی هم به منظور حفظ منافع کشور پذیرنده وضع کرده است. نخست این که

مصونیت دیپلمات‌ها، «دائمی» نیست و پس اعتراض رسمی کشور پذیرنده ممکن است برداشته شود. دوم این که مصونیت دیپلماتیک به معنای «بی‌مسئولیتی» نیست و دیپلمات خاطی در چهارچوب رژیم حقوقی دیگر، از جمله رژیم حقوقی-کیفری کشور خودش، می‌تواند تحت تعقیب قرار گیرد. بنابراین با فرض تحولات سیاسی رادیکال و معنادار، دیپلمات‌ها و نمایندگان سیاسی که در طرح‌ریزی یا اجرای عملیات‌های پرشمار ترور و آدم‌ربایی در خارج از کشور دست داشته‌اند؛ در خود کشور فرستنده می‌توانند محاکمه شود. و در نهایت کشور پذیرنده، به استناد ماده ۹ کنوانسیون وین، می‌تواند دیپلمات‌های خاطی را به عنوان «عنصر نامطلوب» (Persona non grata) اخراج کند.

نکته دیگری که در همین زمینه باید مطرح کرد این است که «مصونیت‌های دیپلماتیک» صرفاً شامل آن دسته از نمایندگان خارجی می‌شود که در عُرف و حقوق بین‌الملل، مشخصاً «دیپلمات» به حساب می‌آیند؛ بنابراین، این مصونیت‌ها، شامل «روابط کنسولی» میان کشورها نمی‌شود.

برای مثال، ماموران کنسولی «مصونیت کیفری» ندارد و اگر به واسطه‌ی ارتکاب جرمی احضار شوند؛ موظف هستند که در مراجع صلاحیت‌دار کشور پذیرنده حاضر شود. نکته مهم دیگر این است که امکان بازداشت ماموران کنسولی، در جرایم عمومی نیز وجود دارد. به این معنا که در جرایم مهمی نظیر «فعالیت‌های تروریستی» یا «آدم‌ربایی»، مامور کنسولی، به محض حضور در مراجع قضایی کشور پذیرنده، ممکن است بازداشت شود.

با این حال، پنهان نمی‌توان کرد سازوکارهای کیفری در حقوق بین‌الملل هنوز بسیار ضعیف و ناکارآمد است. واقعیت امر این است که عمده جنایت‌کاران جنگی، یا آن‌هایی که مرتکب نقض‌های فاحش و مستمر حقوق بشر شده‌اند؛ معمولاً بدون هیچ گونه کیفر یا محاکمه‌ایی زندگیشان پایان می‌گیرد.

از سوی دیگر، روابط سیاسی و مناسبات اقتصادی میان دولت‌ها، می‌تواند «استقلال قضایی» را، حتی در کشور‌های به اصطلاح «توسعه‌یافته غربی»، تحت‌تاثیر قرار دهد؛ از همین روی است که برخی از دولت‌های غربی، به طور آشکار یا نهان، با حاکمیت‌هایی نظیر جمهوری اسلامی وارد «معامله» می‌شوند یا در طرح‌های پیشنهادی «مبادله زندانیان» شرکت می‌کنند. امری که بارها، فعالان مستقل حقوق بشری نسبت به آن هشدار داده‌اند؛ چرا که در نهایت به «باج‌خواهی‌های بیش‌تر و تکرار پرشمارتر «آدم‌ربایی» و «تروریسم دولتی» در خارمی‌انجامد.

## آدم‌ربایی‌های جمهوری اسلامی و استاندارد

## دوگانه اروپا و آمریکا در زمینه حقوق بشر



رضا حاجی‌حسینی

جمهوری اسلامی در قبال برخی منتقدان و مخالفانش در بیرون از ایران «سیاست وحشت» تازه‌ای در پیش گرفته است. اگر تا پیش از این جوخه‌های ترور وزارت اطلاعات، سپاه و ... در خارج از کشور فعال می‌شدند -که البته همچنان هم گاهی می‌شوند- حالا عوامل جمهوری اسلامی افراد مورد نظر را می‌ربایند، به ایران منتقل می‌کنند و بعد این اقدام غیرانسانی و مخالف حقوق و موازین بین‌المللی را به اسم «عملیات پیچیده» به افکار عمومی می‌فروشند.

بزرگ‌ترین قربانی این رویکرد هراس‌افکنانه جمهوری اسلامی تا اکنون روح‌الله زم است که او را از فرانسه به عراق کشاندند، در آنجا دستگیرش کردند و به ایران بردند، در یک روند ناعادلانه دادرسی به مجازات مرگ محکومش کردند و حکم اعدامش را به شکلی ظالمانه‌تر و غیرانسانی‌تر از یک اعدام معمولی، بدون اطلاع قبلی خود و بی‌خبر از خانواده‌اش به اجرا گذاشتند.

با همین رویکرد، عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی حبیب کعب، معروف به حبیب اسبود (تبعه سوئد)، رهبر سابق جنبش «النضال» را هم در استانبول دزدیدند. گفته می‌شود او برای ملاقات با یک زن به استانبول رفته بود. تصاویری منتشر شده است که او را در یک پمپ بنزین در ترکیه نشان می‌دهد. او سوار یک خودرو می‌شود و گویا سرنشینان خودرو با تزریق مخدر به او بی‌هوش می‌کنند، او را به وان در نزدیکی مرز ایران می‌برند و سپس به ایران منتقلش می‌کنند.

نمونه دیگر جمشید شارمهد (ایرانی-آلمانی) است. رئیس «گروه تندر» که رسانه انجمن پادشاهی ایران در آمریکاست. صداوسیما‌ی جمهوری اسلامی پس از منتشر شدن خبر بازداشت شارمهد، او را با چشم‌پند نشان داد و «اعترافاتی»

### گفت‌وگو با شیرین عبادی

از او پخش کرد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، بر اساس داده‌های موقعیت‌یاب تلفن همراهی که خانواده شارمهد در اختیار این خبرگزاری قرار داده، به نظر می‌رسد او پیش از انتقال به ایران، از دوی به عمان منتقل شده است.

اما انتشار گزارش وزارت دادگستری ایالات متحده درباره طرح و برنامه جمهوری اسلامی برای ربودن مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و فعال مدنی در آمریکا و انتقالش به ایران، بار دیگر در دستور کار بودن سیاست وحشت‌آفرینی در میان منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. انتشار این گزارش با واکنش گسترده افکار عمومی و سیاستمداران در محکوم کردن جمهوری اسلامی همراه شد.

با توجه به مجموعه این موارد، «حقوق ما» برای بررسی حقوقی «آدم‌ربایی برون‌مرزی جمهوری اسلامی» با شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل که مقیم لندن است، گفت‌وگو کرده و از او پرسیده است آیا این‌گونه اقدامات برون‌مرزی از قوانین داخلی تبعیت می‌کنند؟ نهاد عملیات‌کننده از کجا دستور می‌گیرد؟ به کجا جواب پس می‌دهد و آیا این اقدامات جایگاه قانونی دارند و ....

**حقوق ما- آدم‌ربایی‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی را از چه زاویه‌ای باید دید؟ آیا اساساً می‌توان روی این موضوع تحلیلی حقوقی ارائه کرد؟**

شیرین عبادی- آدم‌ربایی‌های حکومت ایران بارها تکرار شده؛ از جمله پرونده‌ای که در مورد مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و فعال مدنی رو شد - که می‌توان گفت آخرین آن‌ها بوده. اما علت اشاره من به این مورد این است که از ابتدای تأسیس این حکومت، رفتار خلاف قوانین و ضوابط بین‌الملل و حقوق



**نهادهای زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی جدا کنیم یا بگوییم که آن نهادها مسئول هستند نه دولت؟ شما می‌گویید در این موارد جمهوری اسلامی ایران است که مسئول است.**

عبادی- به طور کلی باید بگویم دوگانه‌سازی حکومت مثل «اصلاح‌طلب-اصولگرا» یا «دولت-رهبر» و ... یک دوگانه‌سازی کاذب است برای ایجاد انحراف در افکار عمومی در سطح بین‌المللی. در حقوق بین‌الملل دوگانه‌سازی وجود ندارد و به رسمیت شناخته نمی‌شود. حکومت به طور کلی شناسایی می‌شود و در مورد جرایمی که در شکل بین‌المللی رخ می‌دهد، تمامیت حکومت مسئول شناخته می‌شود. بنابراین از نظر قانونی جمهوری اسلامی یک واحد است و دو پاره یا دو گانه نیست و آن یک واحد است که مسئول است.

**حقوق ما- اما گاهی اتفاقاتی شبیه این موارد رخ داده و خود رهبر جمهوری اسلامی هم آن‌ها را منتسب کرده به گروه‌های سرخود یا تندرو. یا مثلا گفته‌اند که این افراد محاکمه خواهند شد که یا اساسا این اتفاق نیفتاده، یا تیرنه شده‌اند یا حکم متناسبی نگرفته‌اند. این مسأله را از نظر حقوقی چگونه باید دید؟ آیا می‌شود مسئولان یک مملکت چنین اتفاقاتی را نسبت بدهند به غیر و آن‌ها هم مصون از مجازات بمانند؟**

عبادی- ببینید، گاهی از اوقات در هر کشوری امکان دارد افرادی مرتکب جرم شوند. آیا مسئولیت این جرایم به عهده دولت متبوعشان است یا بر عهده خودشان؟ همین را ببرید در جامعه جهانی. وقتی جرمی در فضای بین‌المللی و به شکل دولتی رخ می‌دهد، آیا مسئولیت تنها متوجه فرد است یا دولت خاطی را هم باید مسئول دانست؟ نتیجه این تفکیک که شما در مورد آن سوال می‌کنید در نتیجه محاکمه و پیگیری جنایت، فهمیده می‌شود. به عنوان مثال وقتی یک منتقد حکومت ترور می‌شود، آیا این کار را حکومت انجام داده که می‌خواهد منتقدش را از بین ببرد یا یک فرد عادی انجام داده؟ چگونه به این نتیجه می‌رسیم که حکومت انجام داده؟ بر حسب نوع رفتاری که حکومت در پیگیری این جرم در پیش می‌گیرد. در جرایمی که در ایران اتفاق افتاده و دولت آن‌ها را منتسب به افراد خودش کرده، هیچ یک در دادرسی عادلانه به نتیجه نرسیده و حقیقت کشف نشده یا حتی عکس آن کشف شده! از جمله در پرونده موسوم به قتل‌های سیاسی-زنجیره‌ای که برای قتل چهار نفر تشکیل شد: داریوش و پروانه فروهر، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده.

حکومت در مورد این پرونده اعلام کرد که افرادی خودش در داخل وزارت اطلاعات دست به این جنایت زده‌اند. من وکیل خانواده داریوش و پروانه فروهر بودم و تمام پرونده را ورق به ورق بررسی کردم. جالب بود که متهمان صراحتا عنوان کرده بودند نه مرتکب چهار قتل که مرتکب ۴۰۰ قتل شده بودند. علتش هم این بود که به آن‌ها دستور داده شده بود. آن‌ها



جزء واحدی در وزارت اطلاعات بودند به نام واحد عملیات که اساسا برای کشتار آموزش دیده بودند. یکی از آنان که فروهر را به قتل رسانده بود، در دادگاه عنوان می‌کرد که شما چرا من را به عنوان قاتل محاکمه می‌کنید؟ در ساعتی که ما مرتکب این عمل شده‌ایم -طبق دستور وزارت‌خانه- ساعت ۱۱ شب بوده: فیش حقوقی من را نگاه کنید! به من اضافه حقوق داده‌اند .... تمامی متهمان جزء واحدی به نام عملیات در وزارت اطلاعات بودند و دستور سازمانی داشتند و با اطلاع وزیر اطلاعات و مقامات بالاتر - حتی رهبر - دست به این جنایت زده بودند. به همین دلیل هم دیدیم که اساسا محاکمه در اتاق دربسته انجام شد و آخر و عاقبت متهمان هم مشخص نشد. البته طبق اطلاعاتی که من و سایر همکارانم داریم، این متهمان همین الان هم مشغول کار هستند. این یک نمونه. البته نمونه‌های متعدد دیگری هم وجود دارد. پس هر زمان که ادعای خودش بودن

می‌کنند، این ادعا بیهوده است و ترازوی سنجش این ادعای بیهوده هم نحوه پیگیری موضوع است. در مورد آدم‌ربایی برون‌مرزی هم وضعیت به همین ترتیب است.

**حقوق ما- حالا با توجه به این وضعیت، آیا جامعه جهانی امکان و ساز و کاری دارد که بخواهد از نظر حقوقی فشاری به جمهوری اسلامی بیاورد؟ آیا در قوانین بین‌الملل پیش‌بینی‌ای در این مورد شده است؟**

عبادی- جامعه جهانی اگر بخواهد می‌تواند واکنش‌های مفیدی نشان دهد. به عنوان مثال دولت‌ها می‌توانند سفیران خودشان را از ایران فرا بخوانند و سطح روابط سیاسی را تا سطح کنسول تنزل دهند. اما می‌بینیم که نه تنها این اقدام سیاسی و چه بسا کم‌اهمیت را انجام نمی‌دهند، بلکه در مراسم تحلیف رئیس جمهوری جدید که خودش متهم به کشتار زندانیان سیاسی‌ست نماینده می‌فرستند و پیروزی او را هم در انتخابات نمایشی تبریک می‌گویند. در نتیجه کشورهای اروپایی به دلیل داشتن استاندارد دوگانه در حقوق بشر هیچ حمایتی از بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران نمی‌کنند. علت این امر هم برای من مشخص است. سال‌هاست که دولت جمهوری اسلامی مردم ایران و حقوق بشر را گروگان گرفته است. مردم گروگان مسأله هسته‌ای هستند و اروپا برای حفظ امنیت خود و برای اینکه ایران را تشویق بکند تا به بمب اتمی نرسد، مدارا می‌کند. نمونه مدارا هم این است که بریتانیا، فرانسه و آلمان در مذاکرات هسته‌ای هستند اما نماینده اتحادیه اروپا می‌آید در مراسم تحلیف رئیس جمهوری که به «قصاب» و «جلاد» معروف است، شرکت می‌کند. اینها فقط به منافع و امنیت خودشان اهمیت می‌دهند. من متأسفم که حقوق بشر در ایران مطلقا مورد توجه اروپا و آمریکا نیست.

**حقوق ما- به احضار سفرا اشاره کردید. آیا موارد دیگری هم برای اعمال فشار حقوقی بر جمهوری اسلامی وجود دارد؟**

عبادی- مواردی که کشورهای که استاندارد دوگانه ندارند بخواهند با استفاده از آن‌ها واکنش نشان دهند، حسب مورد، متعدد است. علاوه بر احضار سفیر می‌توان ممنوعیت یا کاهش سطح معاملات را در نظر گرفت. یعنی بگویند که صادرات از ایران قبول نمی‌کنند یا محدود می‌کنند، یا سقفی برای واردات بگذارند. از همه مهم‌تر، ما می‌دانیم که دولت ایران تلویزیون‌های برون‌مرزی دارد و به زبان‌های غیرفارسی از جمله انگلیسی برنامه پخش می‌کند و پروپاگاندایش روی این تلویزیون‌ها برای غربی‌هاست. این تلویزیون‌ها روی ماهواره‌های اروپایی هستند. می‌شود استفاده از ماهواره را برای دروغ‌پراکنی جمهوری اسلامی ممنوع کرد و بلندگوی تبلیغاتی جمهوری اسلامی را بست تا رفتارش را عوض کند.

بشر رواج یافت. مورد مسیح علی‌نژاد هم گرچه در این لحظه آخرین مورد به نظر می‌رسد، اما متأسفانه حتماً آخرین مورد نخواهد بود.

این رفتارها بایستی در راستای خاموش کردن صدای منتقدان و مخالفان ارزیابی شود و البته باید باعث شرم جمهوری اسلامی باشد؛ گرچه شرم نمی‌کند.

اجازه بدهید همین جا اضافه کنم در چنین شرایطی که طبق گزارش اف‌بی‌آی یک چنین خلاقی اتفاق افتاده، اتحادیه اروپا که خودش را پیشتاز حقوق بشر در دنیا می‌داند و معرفی می‌کند، نماینده می‌فرستد برای شرکت در مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی، قاتلی که رئیس جمهور شده است. این اتحادیه فراموش کرده که چند شهروند ایرانی دوتابعیتی (ایرانی-اروپایی) در ایران گروگان گرفته شده‌اند. و فراموش کرده که یک تروریست دیپلمات‌نما (اسدالله اسدی) در خود اتحادیه اروپا محاکمه و محکوم شده است.

این روش استاندارد دوگانه اروپا و آمریکا در زمینه حقوق بشر است که در عمل به جمهوری اسلامی ایران این شهامت را می‌دهد تا به جنایات خود ادامه دهد.

**حقوق ما- این عملیات و اقدامات آیا اصلا می‌توانند بر اساس قوانین باشند؟ یعنی آیا ما در قوانین داخلی موادی داریم که اجازه یا امکان یک چنین اقداماتی را فراهم کنند؟**

عبادی- در قوانین داخلی ایران این مسأله (آدم‌ربایی) جرم است و در قوانین و حقوق بین‌الملل و ضوابط حقوق بشر هم جرم است. یعنی دولت ایران بر خلاف قوانین خودش مرتکب این گونه اعمال می‌شود و به همین دلیل هم برای اینکه دستش را از جنایاتی که کرده پاک کند، معمولا در این گونه عملیات از افراد غیرایرانی استفاده می‌کند و سعی می‌شود از افرادی که جزء حقوق‌بگیران خودشان اما با تابعیت‌های دیگری هستند استفاده کنند.

در پرونده‌هایی که در ارتباط با تروریسم حکومتی ایران کار به دادگاه کشیده، ما می‌بینیم اسامی اکثر متهمان غیرایرانی‌ست اما در تمامی این موارد دستور را از سفارت جمهوری اسلامی یا وزارت اطلاعات گرفته‌اند.

**حقوق ما- یعنی عملیات کنندگان از وزارت امور خارجه یا وزارت اطلاعات دستور می‌گیرند اما در نهایت از جایی بیرون از دولت هدایت می‌شوند؟**

عبادی- تکرار می‌کنم: دولت ایران برای اینکه دست خودش را از این جنایات پاک کند، علاقه دارد از افراد غیرایرانی برای اجرای عملیات استفاده کند اما این افراد پول و امکاناتشان را از جمهوری اسلامی ایران می‌گیرند.

**حقوق ما- یعنی شما قائل به این تفکیک نیستید که دولت را از**

- عنصر معنوی

\* سوء نیت عام: مرتکب افزون بر موضوع جرم و وصف آن یعنی انسان زنده باید در انجام عمل عامل هم باشد و علم و آگاهی مرتکب به عدم رضایت بزه‌دیده شرط نیست. این جرم مطلق است و نیازی به سوء نیت خاص ندارد و مفروض است. پس، ربودن انسان زنده که در حال خواب یا بیهوشی است مشمول این حکم می‌شود.

\* انگیزه مرتکب: اساساً مقنن انگیزه را به عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده عنصر روانی جرایم بشمار نمی‌آورد و داشتن انگیزه شرافتمندانه در جرایم تعزیری و بازدارنده از جهات مخففه محسوب می‌گردد. به هر روی، انگیزه یکی از اجزاء عنصر معنوی جرم آدمربایی محسوب می‌گردد.

هر چند که واضع قانون در ماده ۶۲۱ مصوب ۹۲ واژه قصد را بکار برده است، اما این واژه دلالت بر انگیزه دارد و دلالت بر سوء نیت خاص نمی‌کند. بنابراین، سوء نیت خاص در سوء نیت عام مرتکب مستتر است.

- عنصر قانونی

\* ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- صور خاص آدمربایی

\* مخفی کردن مجرم

\* ربودن اتباع ایرانی، قانون تشدید مقابله با اقدام‌های تروریستی دولت آمریکا، مصوب ۱۳۶۸

در حقیقت «گروگان‌گیری» که اصطلاح دقیق و صحیح آن آدمربایی است از جمله جرایمی است که افراد با انگیزه‌ها و اهداف گوناگونی مانند به دست آوردن پول، انتقام‌گیری و نیز وجود اختلافات شخصی و یا خانوادگی و غیر آن مرتکب می‌شوند.

جرم آدمربایی در عداد و جرایم علیه اشخاص است که آزادی تن را مورد تعرض قرار می‌دهد. اهمیت آزادی تن موجب گشته تا قانون‌گذاران و واضعان قانون در کشورهای مختلف این جرم را با مجازات‌های سنگین، ممنوع و قابل تعقیب کیفری بدانند.

آدمربایی یا به صورت جرم ساده و بدون وجود کیفیات مشدده است و یا با وجود کیفیات مشدده‌ای از قبیل ربودن با وسیله نقلیه، سازمان‌یافته بودن عمل ارتكابی و یا ربودن کودکان همراه است.

در خصوص مجازات جرم آدمربایی، افزون بر مجازات‌هایی که به موجب قانون برای آن تعیین گردیده، نکته مهم و برجسته این است که اگر در حین ارتكاب جرم یا در مدتی

که شخص اسیر آدم رب/آدمربایان است، فرد آدمربا مرتکب اقداماتی از قبیل ضرب و جرح، تعرض، قتل و یا دیگر جرائمی چون حبس غیرقانونی شود، شخص مرتکب افزون بر مجازات مقرر در قانون برای این جرم نیز به مجازات این اعمال نیز محکوم خواهد شد.

### مجازات فرد آدمربا

در حال حاضر جرمی با عنوان «گروگان‌گیری» در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، اما آدمربایی در این قوانین جرم‌انگاری شده است، چنانچه کسی ربوده شده یا در اصطلاح، گروگان گرفته شود، مرتکب این جرم تحت عنوان آدمربایی و در مواردی نیز با عنوان بازداشت [کردن] غیرقانونی، قابل تعقیب کیفری بوده و به حبس به مدت ۵ تا ۱۵ سال حبس محکوم خواهد شد.

رسیدگی به جرم آدمربایی بر اساس قانون تازه در صلاحیت دادگاه کیفری دو قرار گرفته است. پرونده‌های مربوط به آدمربایی در اجرای ماده ۱۰ قانون مجازات با توجه به عبارت «دادگاه صادرکننده حکم قطعی مذکور در بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به سبب آنکه حکم قطعی از سوی دادگاه کیفری یک صادر شده و دادگاه مذکور صلاحیت رسیدگی داشته است اقدام بعدی مبنی بر تصحیح حکم و تخفیف مجازات با لحاظ قانون لاحق با همان دادگاه خواهد بود.»

بنابراین ارکان جرم آدمربایی عبارت است از اینکه نخست شخص را بربایند که همانا عنصر مادی جرم است؛ و عنصر معنوی آن یعنی قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام و یا به هر منظور دیگری است؛ به گونه‌ای که به نوعی عمل عنف یا تهدید یا حيله در آن باشد.

البته در این ماده آنجا که از ترکیب «به هر نحو دیگر» استفاده نموده، باید گفت این شیوه‌ی نگارش قانون نیست! زیرا که دست مجری قانون به منظور تضییع حقوق مردم باز گذاشته می‌شود. اگرچه مرز بین آدمربایی و گروگان‌گیری بسیار نزدیک به یکدیگر است، اما به حیث وجود چند اصل حقوقی نمی‌توان گروگانگیر را دقیقاً به موجب این ماده از قانون مجازات نمود.

آدمربایی یک جرم عادی است؛ که هدف آن انتقام و انگیزه مادی است. اما در جرم گروگان‌گیری به محض وقوع این فعل مجرمانه؛ فعل سیاسی متبادر ذهن می‌گردد؛ معنا اینکه به نظر می‌رسد که گروگان‌گیری با اهداف سیاسی به وقوع



نیره انصاری

آدمربایی به مفهوم سلب آزادی تن است و به عمل انتقال یک شخص بدون رضایت او از محلی به محل دیگر با استفاده از زور، تهدید و یا فریفتن اطلاق می‌شود.

در تعریفی دیگر از این جرم می‌توان گفت که آدمربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع از طریق جابجایی از محلی به محل دیگر است.

فراتر از این، جرمی است که قابلیت تعویق صدور حکم ندارد و به ویژه مجازات آن غیر قابل تعلیق است.

قانون‌گذار در ماده ۸۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۶۲۱، اصلاحات مصوب ۱۳۹۲ در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، همچنین ماده واحده قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵، عمل آدمربایی را جرم انگاری کرده است.

در ماده ۶۲۱ آمده است: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال و یا به قصد انتقام و یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا جنسی یا حیثیتی وارد گردد، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده در این قانون محکوم خواهد شد و در صورت ارتكاب جرایم دیگر، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» همچنین به موجب تبصره این

ماده، مجازات شروع به ربودن از سه تا پنج سال حبس است.

آدمربایی از جمله جرایمی است که معمولاً به قصد خواسته‌های غیرقانونی یا به عنوان مقدمه جرائم دیگر از جمله گروگان‌گیری ارتكاب می‌یابد و در بین اعضای باندهای مجرمانه و سازمان یافته مانند باندهای مربوط به قاچاق مواد مخدر یا قاچاق انسان شیوع بیشتری دارد.

### عناصر جرم آدمربایی

- عنصر مادی:

\* موضوع جرم آدمربایی ساده: انسان زنده که حداقل ۱۵ سال داشته باشد و در غیر این صورت ممکن است مشمول آدمربایی مشدد و یا دزدیدن کودک تازه متولد شده یا مخفی کردن اموات قرار گیرد.

\* رفتار مجرمانه: انتقال جسم مجنی علیه از محلی به محل دیگر با زور و تهدید و حيله به نحوی که مجنی علیه اراده‌ای از خود به منظور دفاع و مقابله با آدم رب/ربایان نداشته باشد.

\* مرتکب و شکل ارتكاب: هر کس می‌تواند باشد که به صورت مباشرت یا مداخله و غیرمستقیم قابل تحقق است که بحث مباشرت، شرکت و معاونت در جرم را می‌طلبد.

\* عدم رضایت مجنی علیه شرط لازم است و بدون آن جرم محقق نمی‌گردد.

\* نتیجه مجرمانه: اگرچه در ماده (۶۲۱) قانون یاد شده از نتیجه سخنی به میان نیامده، اما آدمربایی از جرایم مقید است و نتیجه هم همانا «سلب آزادی» از فرد ربوده شده است.



پیوسته است.

در دایره المعارف حقوقی در بسیاری از کشورها نیز به این نحو تبیین شده است که آدمربایی/گروگانگیری با جرائم سیاسی ربط وثیقی دارد. به سخنی دیگر در جرائم عادی، مادی، متهم به منظور «منفعت‌طلبی» مرتکب جرم می‌گردد، اما در جرائم سیاسی می‌تواند مبارزه‌ای علیه ظلم، دفاع از مردم، مبارزه با استبداد و یا مانند این‌ها باشد.

همچنین تحت نفوذ قرار دادن سیاست دولت از طریق ترساندن یا تحت فشار قرار دادن آن دولت است یا تأثیر گذاردن بر رفتار یک دولت از طریق قتل یا آدمربایی می‌باشد.

بدین سیاق، با امعان نظر به اینکه نحوه رسیدگی به جرائم مادی و سیاسی متفاوت است، اما با وجود سکوت قانونگذار در خصوص گروگانگیری؛ یک استثناء وجود دارد و آن اینکه گروگانگیری در داخل هواپیما صورت گیرد.

جرم آدمربایی یک جرم «آنی» است و نه «مستمر» البته برخی آن را یک جرم مستمر می‌دانند؛ زیرا اگر چنانچه مخفی نگه داشتن استمرار یابد، این عمل می‌تواند تحت عناوین مجرمانه‌ی دیگر مانند جرم توقیف غیر قانونی نیز قرار گیرد.

در این خصوص بنابر گزارش سازمان ری یونایتد تنها در سال ۱۹۹۰ بیش از ۵۲ کودک ایرانی در اروپا و آمریکا توسط یکی از والدین خود ربوده شدند. این گزارش افزوده است که معمولاً این عمل توسط پدران صورت می‌گیرد که می‌دانند پس از جدایی به حیث قانونی و حقوقی شانس چندان در خصوص کسب مجوز در سرپرستی فرزند را ندارند.

نظر به اینکه این جرم که به صورت خاص، یک ماده و به صورت عام، چند ماده از قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص داده، اما کمتر در تحقیقات و تفحص‌های حقوقی مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است. همچنین وضعیت قوانین و مقررات موجود آن دارای ابهام‌های فراوانی بوده که نیازمند تنقیح و اصلاح جدی توسط مقنن است!

تحت نفوذ قرار دادن سیاست دولت از طریق ترساندن یا تحت فشار قرار دادن آن دولت است یا تأثیر گذاردن بر رفتار یک دولت از طریق قتل یا آدمربایی می‌باشد.

### الحاق جمهوری اسلامی به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری

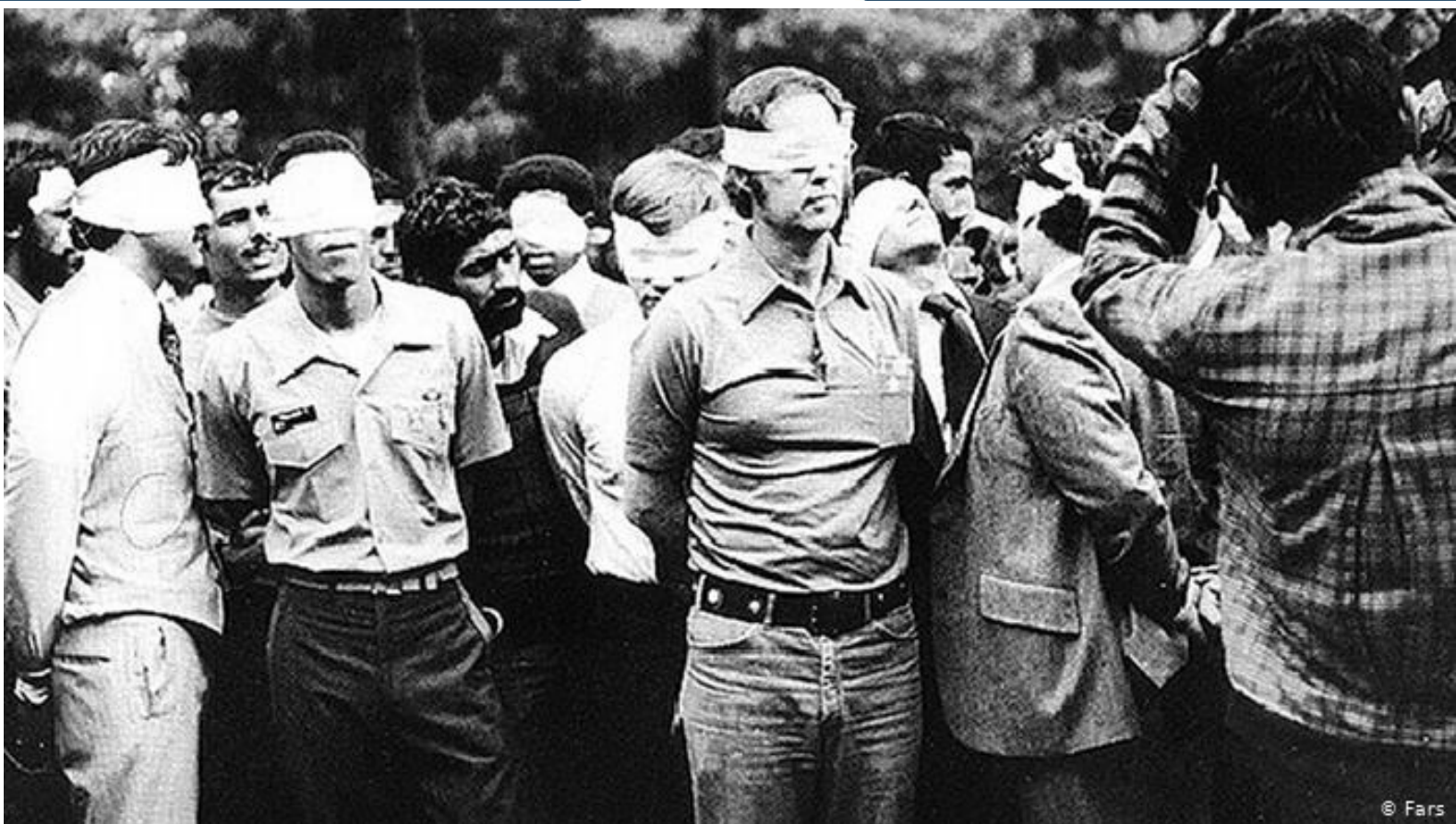
به استناد قوانین مجلس شورای اسلامی در خصوص گروگانگیری و بر اساس ماده واحده‌ای به دولت اجازه داده



می‌شود تا با رعایت شرایط طرح شده (راجع به ارجاع اختلاف میان کشورهای عضو به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری) و درج اعلامیه تفسیری به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری مصوب (۱۹۷۹، ۱۲، ۷/ ۱۳۵۸، ۹، ۲۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحده ملحق گشته و اسناد آن را نزد امین اسناد کنوانسیون تودیع نماید.

به حیث مقررات بین‌المللی در این خصوص کنوانسیون ویژه‌ای موسوم به «کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری» وجود دارد که جمهوری اسلامی نیز به آن ملحق گردید. و اساساً باید به استناد مفاد این کنوانسیون با رعایت قوانین شرعی و قانونی و ایضاً منطبق با «حقوق اسلام!» جرم انگاری لازم در مورد این عمل صورت گیرد. (حق شرط تحفظ) و یا شرط عدم ایفای تعهد!

آدمربایی در حقوق بین الملل در حکم جنایت جنگی است! در این باره سازمان عفو بین الملل به بیست و چهار مورد آدمربایی به دست گروه‌های مسلح فعال سوریه در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ اشاره و تصریح نموده است: «فعالان صلح طلب و یا حتی کودکان و اعضای اقلیت‌های مذهبی در اغلب موارد قربانی این تاکتیک قرار گرفته‌اند.» بسیاری از غیر نظامیان سوری همواره در رعب و وحشت و



بیم ربوده شدن توسط این گروه‌ها زندگی می‌کنند.» فراتر از این در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ پنج مورد آدمربایی از سوی گروه‌های مسلح در سوریه ثبت شده که در آن افراد ربوده شده اعلام کرده‌اند توسط گروه «نورالدین زنکی و جبهه النصره» مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته‌اند. به موجب اعلام سازمان عفو بین الملل و یک فعال بشردوستانه سوریه، از جمله افرادی است که در شهر حلب به دست عناصر گروه تروریستی نورالدین زنکی ربوده و تحت شکنجه ناگزیر از اعتراف و امضای اقرارنامه گردید.

سازمان عفو بین الملل در گزارش خود با اشاره به موج هولناک آدمربایی، شکنجه و اعدام‌های بدون محاکمه گروه‌های تروریستی فعال در سوریه را جنایتکار جنگی نامید.

فراتر از این، این سازمان از کشورهای گروه بین‌المللی حمایت از سوریه، به ویژه امریکا، قطر، ترکیه و عربستان سعودی درخواست نمود از انتقال سلاح یا هر گونه حمایت از گروه‌های مسلحی که در ارتکاب جنایات جنگی یا نقض آشکار حقوق بشر در سوریه دست دارند، خودداری نمایند.

در این خصوص رئیس برنامه خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل گفته است: «غیرنظامیان نگرانند که در صورت انتقاد از نحوه‌ی رفتار گروه‌های مسلح و یا عدم

اطاعت از قوانین تحمیلی و سختگیرانه آن‌ها سر به نیست و مفقود شوند.»

اگر نگاهی اجمالی به قوانین در ایران داشته باشیم در می‌یابیم که نه در قوانین قدیمی و نه در قوانین فعلی قانونگذار از گروگانگیری حرفی به میان نیاورده است. به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت یا جان یا مال یا حقوق یا مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است.»

و این در حالی است که کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری در دسامبر ۱۹۷۹ تصویب گردید. کشورهای عضو این کنوانسیون با در نظر گرفتن اهداف و اصول منشور سازمان ملل در خصوص حفظ صلح و امنیت بین المللی و ارتقاء روابط دوستانه و همکاری میان کشورها به ویژه با شناسایی این امر که هر فردی حق حیات، آزادی و امنیت شخصی دارد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی گنجانده شده است.

براساس مفاد این کنوانسیون، هر شخصی که مرتکب عمل آدمربایی و یا گروگانگیری گردد باید یا تعقیب و یا مسترد گردد.

به همین جهت بین کشورهای عضو، طراحی و اتخاذ تدابیر موثر برای ممانعت، تعقیب و مجازات تمام اعمال گروگانگیری که در تروریسم بین المللی متجلی است، ۲۰ ماده را تنظیم نمودند.

البته قانون مورد نظر مشتمل بر ماده واحده‌ی منضم به متن کنوانسیون که شامل یک مقدمه و ۲۰ ماده در جلسه علنی سوم خرداد ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی تصویب شد اما نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر موضوع اصل ۹۴ قانون اساسی نظام اسلامی واصل نشد!

ماده یک این کنوانسیون بیان می‌کند: «هر شخصی که به توقیف یا بازداشت و تهدید به کشتن یا مصدوم کردن یا ادامه توقیف شخص دیگر به منظور وادار کردن شخص ثالثی – یعنی یک کشور بین الدولی بین المللی یا شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از افراد جهت انجام یا پرهیز از انجام اقدامی به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی گروگان مبادرت کند- در چارچوب مفهوم این کنوانسیون مرتکب جرم گروگانگیری شده است.

گروگانگیری با برخی از جرایم شباهت فراوانی دارد. برای نمونه آدمربایی شباهت بسیاری با گروگانگیری دارد اما برخی از کارشناسان تفاوت‌هایی در این مورد بر شمرده‌اند. از جمله اینکه در آدمربایی فرد می‌بایست از جایی به جای

دیگر منتقل شود اما در گروگانگیری این چنین نیست. از سوی دیگر هدف مجرمان در آدمربایی خود شخص می‌باشد اما در گروگانگیری فرد وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف مجرمان. در برخی موارد شخص ربوده نمی شود بل، ممکن است اشیاء هم ربوده شوند. برای نمونه تصرف یک کشتی و درخواست پول در قبال رها کردن آن را نمی‌توان گروگانگیری دانست.

گروگانگیری در عرصه بین المللی سابقه ای ۴۲ ساله دارد که با پیگیری‌های مستمر دولت آلمان کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد که در حال حاضر ۱۷۱ کشور در آن عضو هستند. در سال ۱۹۸۵ این نهاد تروریسم را شامل اعمال مورد نظر در پنج معاهده بین المللی دانست که یکی از آن‌ها کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری است. در بعد بین‌الملل خطرناک و شنیع بودن جرم گروگانگیری برای امنیت جهانی از خطر آن در عرصه داخلی کمتر نیست و اینگونه بر می‌آید دولت‌های جهانی به خاطر نگرانی که در این مورد دارند اقدام به کیفرگذاری برای این جرم کرده‌اند.

مجازات‌ی که در مورد آدمربایی و گروگانگیری مورد اتفاق صاحب نظران است ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی است. اگرچه که در شمول این ماده برخی از کارشناسان تردید دارند. به موجب این ماده: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ سال تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد...». در قانون جدید مجازات اسلامی هم خاطر نشان شده است که مجازات این جرایم قابلیت تعلیق ندارد.

گروگانگیری یکی از جرایم علیه اشخاص است. در این نوع جرایم علیه حیثیت، جان یا آزادی افراد تعرضی صورت می گیرد، در حالی که در قانون اساسی آمده که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند و نیز تصریح شده که هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و هیچ‌کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد. البته قوانین پراکنده دیگری هم در این رابطه وجود دارد. گاهی آدمربایی می‌تواند مقدمه‌ای برای ارتکاب جرایم توقیف و حبس غیرقانونی و اخفا باشد. اما در

خصوص گروگانگیری در برخی از کشورها مانند انگلستان به عنوان جرم مستقلی شناخته شده است و در عمل نوعی توقیف غیرقانونی می‌باشد. گروگانگیری در حقوق جزای انگلستان مصوب۱۹۸۲ عبارت است از توقیف اشخاص توسط هر کسی به منظور در فشار قرار دادن یک دولت، سازمان دولتی بین المللی یا شخصی برای انجام یا ترک انجام هر نوع عملی، تهدید به قتل، ایراد ضرب و جرح یا تهدید به ادامه دادن بازداشت گروگان. قانون جزا در ایران اما تفاوت خاصی بین آدمربایی با گروگانگیری قایل نشده و این دو را از هم جدا ندانسته است.

گروگانگیری در دو سطح ارتکاب می‌یابد:

در سطح داخلی مانند گروگان گرفتن افراد برای اخاذی یا گروگانگیری پس از ارتکاب سرقت یا جنایت علیه افراد که این اقدام ممکن است صرفا به دلیل اخذ تامین از پلیس و گریز از مهلکه باشد.

در سطح بین المللی، مانند به گروگان گرفتن اتباع کشورهای خارجی که معمولا با انگیزه‌های سیاسی یا برای تحت فشار گذاردن دولت‌ها به منظور آزاد ساختن زندانیان آنها انجام می‌گیرد.

برای نمونه، تسخیر سفارت آمریکا (بخوانید از دیوار سفارت بالا رفتن) در ایران (۱۹۷۹) توسط «خط امامی‌ها» و به تبع آن گروگان گرفتن افراد حاضر در آن مکان، تحت فشار قرار دادن دولت آمریکا برای استرداد شاه بود.

این امر تا آنجا اهمیت یافت که برای انتقاد از عملکرد جیمی کارتر از اصطلاح «آمریکایی به گروگان گرفته شده» استفاده کردند. تبعات مخرب این اقدام غیرانسانی در سطح بین الملل موجب جرم‌انگاری آن در نظام کیفری بین الملل شده است.

از این حیث، نخستین بار در بند ۲ ماده ۶ از اساسنامهی نورنبرگ قتل گروگان‌ها به عنوان یکی از مصادیق نقض قوانین و عرف‌های جنگی؛ جنایت جنگی محسوب شد. در پی آن، در قسمت دوم از بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ به ممنوعیت به گروگان گرفتن اشخاص غیرنظامی تاکید شد. سپس کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری مصوب ۱۹۷۹ به عنوان مهمترین سند بین المللی، برای مقابله با این جرم، به بیان تعریف این جرم و الزام کشورهای عضو در مقابله با آن پرداخته است. نگرانی جامعه بین الملل از بهره‌برداری از این اقدام غیرانسانی به منزله ابزاری در دست گروه‌های تروریستی برای فشار به دولت‌ها موجب شد که سازمان ملل در قطعنامه ۸/۶۸۷ آوریل ۱۹۹۰، ضمن محکوم کردن تروریسم بین المللی با اشاره به کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری، این عنوان را یکی از مصادیق تروریسم بین المللی محسوب و در نهایت به موجب ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی این جرم، یکی از مصادیق جرائم جنگی نیز جرم انگاری شد.

جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد «اتباع خارجی» و «دوتابعیتی» را در داخل به اتهام جاسوسی بازداشت و زندانی می‌کند. با توجه به اینکه هیچگاه نتواسته «جاسوس» بودن آنها را به اثبات برساند. از جمله خانم کایلی مور گیلبریت را که به اتهام جاسوسی اسرائیل و اقدام علیه امنیت ملی به ده سال زندان محکوم کرده بود در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ با سه زندانی ایرانی (سعید مرادی، محمد خزاعی و مسعود صداقت زاده) که در بمب‌گذاری در تایلند دست داشتند، مبادله کرد! همچنین دکتر احمدرضا جلالی پزشک و پژوهشگر ایرانی که گروگانی است در اختیار جمهوری اسلامی و در معرض خطر اعدام قرار دارد و خبرها حاکی از تلاش جمهوری سلامی برای مبادله او با تروریست‌هاست. حال آنکه گروگانگیری دو تابعیتی‌ها و مبادله‌شان با تروریست‌ها (مانند اسدالله اسدی) یا متهمان به جنایت جنگی (حمید نوری)

یک رفتار غیرمتعارف بین المللی است.

آدمربایی، گروگانگیری و جرائمی مشابه چون تروریسم پدیده‌ای است چند وجهی و چند بُعدی به این معنا که هم فهم ریشه‌ها، خاستگاه، شاخص‌ها و مصادیق آن و همچنین شناخت راهکارها و شیوه‌های موثر برخورد و مقابله با آن باید به دور از نگاه‌های تک بُعدی و یکجانبه‌گرایانه باشد. در غیر اینصورت اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای تروریست‌ها را علیه خودمان دعوت کرده‌ایم.

#### پایان سخن

به نظر این قلم برای پیشگیری از رویکرد «آدمربایی/ گروگانگیری» رژیم اسلامی، همکاری جامعه جهانی به ویژه سازمان‌های حقوق بشری از ضروریات است. نخست، مسئولیت مدنی و کیفری باید متوجه آمران، عاملان و مجریان این اقدامات باشد. کشورهای غربی، از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، انگلستان، کانادا، سوئد و استرالیا، باید تا آنجا که ممکن است، با اتکا به قانون «مگنیتسکی»، تحریم‌های هدفمند علیه سه قوه (مقننه، قضاییه و مجریه) اسلامی و مجریانِ گروگان‌گیر را افزایش دهند. این کشورها باید یک قرارداد چند جانبه تنظیم نموده تا با اتکا به آن علیه هرگونه گروگان‌گیری از سوی دولت‌ها، به ویژه نظام اسلامی در ایران مشترکاً تلاش کنند. آنها باید به عنوان پیش شرط هرگونه توافق سیاسی در آینده، اعلام نمایند که افزون بر آزادی بی‌درنگ همه گروگان‌ها توسط جمهوری اسلامی، اِعمال هرگونه «آدمربایی و گروگان‌گیری» توسط این دولت و یا هر دولت دیگری که مستقر خواهد شد به منزله قطع کامل روابط سیاسی و اقتصادی جامعه جهانی با دولت گروگانگیر خواهد بود.

#### منابع؛

- قانون اساسی جمهوری اسلامی
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲
- حقوق جزای اختصاصی، دکتر ایرج گلدوزیان، چاپ انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۹۷
- قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی مصوب ۱۳۶۸
- کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۴۹
- کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری مصوب ۱۹۷۹
- اساسنامه دیوان کیفری بین المللی





دارند و بطور طبیعی قدرت‌ها دنبال منافع خودشان هستند. نه نیروی نظامی بین‌المللی مستقلاً وجود دارد و نه دادگاه‌های جامع و کاملی وجود دارد. البته دادگاه‌هایی مثل دادگاه حقوق بشر اروپا، آفریقا و آمریکا هم‌زمان با دارا بودن نقاط قوت قابل نقد هم هستند. نظیر دادگاه‌های یاد شده در آسیا وجود نداشته و از سوی دیگر دادگاه حقوق بشری در سطح جهانی و جهان شمول هم موجود نیست.

برای نمونه معاون مطبوعاتی شاه در آمریکا از سوی جوان آفریقایی تبار کشته شد و آن زمان مصادف با زمان گروگان‌گیری سفارت آمریکا در ایران بود. آمریکا، کانادا و اروپا هیچ اقدامی در آن زمان نکرد و قاتل را بازداشت نکردند تا او بتواند به ایران برود چراکه جان گروگان‌هایشان را در خطر می‌دیدند.

جمهوری اسلامی سالیان سال این اقدامات را انجام داده است. اروپا جدی نگرفته و مداخلات کرده است. وقتی که شاپور بختیار را در پاریس به آن شکل فجیع کشتند، اگر اروپا و فرانسه آن را جدی می‌گرفت دیگر قتل‌های بعدی صورت نمی‌گرفت. این مداخلات منجر به درگیر شدن بیشتر این مشکلات در کشورهای اروپایی می‌شود. اگر به جمع‌بندی

است. اگر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر به تکامل خود رسیده بودند، به طور قطع یا به این نقطه نمی‌رسید یا اگر می‌رسید برخورد جدی همچون رسیدگی در دادگاه و استفاده از قوه قهریه به همراه داشت.

حقوق بین‌الملل و حقوق بشر رشته‌های علمی در حال گذار هستند و کامل نشده‌اند و دچار کاستی‌هایی هستند. یکی از مهم‌ترین نقص‌های آن‌ها همین موضوع ضمانت اجراست و بسیار معطوف به قدرت است. البته همیشه حق و حقوق قانونی معطوف به قدرت است. فرض کنید قانونی تصویب شود و ضمانت اجرا نداشته باشد. به این نمی‌توان عنوان حق واقعی داد. برای نمونه در قانون اساسی، وظیفه ایجاد اشتغال کامل و حق مسکن بر عهده دولت است که برای این‌ها در ایران ضمانت اجرایی وجود ندارد. قانون و حق، زمانی واقعی است که ضمانت اجرا داشته باشد و پشت آن قدرت و قوای حکومتی و دستگاه قضایی و پلیس وجود داشته باشد. در رابطه با جامعه جهانی هم به همین ترتیب است. خیلی از حقوق و قوانین و اسناد بین‌المللی ضمانت اجرایی ندارند و معطوف به قدرت‌هایی هستند که در صحنه بین‌المللی وجود

## حقوق بین‌الملل و دست‌باز نهادهای امنیتی ایران در ربایش مخالفان



جواد عباسی توللی

فعالان رسانه‌ای و مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته در خارج از ایران است.

چرا جامعه جهانی در برابر اقدامات برون مرزی نهادهای امنیتی ایران در زمینه ربایش و قتل مخالفان سیاسی، واکنش درخوری نشان نمی‌دهد؟ حکومت جمهوری اسلامی ایران با چنین اقداماتی، کدام‌یک از قواعد بین‌المللی را نقض می‌کند؟ آیا می‌توان در برابر اقدامات نهادهای امنیتی ایران اعلام جرم کرد؟

حقوق ما با طرح پرسش‌هایی از این دست، با محمد مقیمی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری مدافع حقوق بشر گفتگو کرده است.

**سوال:** اقدام به ربایش مخالفان سیاسی توسط نهادهای امنیتی ایران در خارج از مرزهای کشور، کدام‌یک از موازین و قواعد بین‌المللی را نقض می‌کند؟ چرا جامعه جهانی با جمهوری اسلامی مداخلات می‌کند؟

این پرسش از نظر حقوقی دارای اهمیت زیادی است. ربودن مخالفان جمهوری اسلامی در خارج ایران برای ارباب و حذف مخالفان است که در سطح بین‌المللی انجام می‌شود. سکوت مجامع بین‌المللی منجر به تشدید و تشویق جمهوری اسلامی شده است. این اقدام در واقع تهدیدی است برای صلح و امنیت بین‌المللی است. نقض صلح و امنیت بین‌المللی یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

با وجود فهرست بلند بالای موجود از قربانیان ترور و آدم‌ربایی توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در خارج از ایران، تنها تعداد معدودی از این موارد از طریق مراجع قضایی جهانی با جدیت پیگیری شده‌اند.

دو سال پیش ماموران اطلاعاتی ایران روح‌الله زم، فعال رسانه‌ای و مدیر سایت و کانال تلگرامی آمدنیوز، ساکن فرانسه را از عراق ربوده و به تهران منتقل کردند. او طی یک روند ناعادلانه در رسیدگی به پرونده‌اش در دادگاه به اعدام محکوم و در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۹ به دار آویخته شد.

جمشید شارمهد و حبیب اسبورد دو تن دیگر از مخالفان جمهوری اسلامی هستند که در سال‌های اخیر در خارج از ایران ربوده و به این کشور منتقل شدند.

جدیدترین و جنجالی‌ترین اقدام نهادهای امنیتی ایران برای ربایش مخالفان سیاسی مربوط به تلاش برای ربودن مسیح علی‌نژاد، مدافع حقوق زنان و روزنامه‌نگار ساکن آمریکا است. وزارت دادگستری ایالات متحده روز سه‌شنبه ۱۳ ژوئیه / ۲۳ تیرماه امسال با صدور یک کیفرخواست، چهار تبعه ایرانی از جمله یک مقام اطلاعاتی جمهوری اسلامی را به تلاش برای ربودن مسیح علی‌نژاد روزنامه‌نگار و فعال مدنی ایرانی در خاک آمریکا متهم کرد.

ربودن روح‌الله زم و تلاش برای ربایش مسیح علی‌نژاد، تنها دو مورد از ده‌ها نمونه قتل، ربایش یا استرداد روزنامه‌نگاران،





ایران استفاده کنند؟

نمی‌توانیم بگوییم منافع. چون منفعت ایران در برابر منفعی که چین و روسیه و تبادلاتی که با آمریکا و اروپا دارند، خیلی جزئی است. ممکن است، تبادلات یک شرکت بزرگ آمریکایی با چین و روسیه با منفعی که از ایران حاصل می‌شود، برابری کند. این دو کشور از ایران استفاده ابزاری می‌کنند که در مذاکراتشان امتیاز بگیرند. برای نمونه روسیه در موضوع کریمه با آمریکا و اتحادیه اروپا اختلاف دارد و تحریم است، در چنین شرایطی برای به دست آوردن امتیاز می‌تواند از موضوع ایران سوءاستفاده کند. چین هم در نقاط مناقشه برانگیز با آمریکا هم با چنین برگی بازی می‌کند. روابط ایران با چین و روسیه نیم‌بند است و حمایت آنچنانی از طرف آن‌ها وجود ندارد.

**سوال:** کسی که در معرض ربایش از طرف جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و مثل خانم علی‌نژاد موفق می‌شود از این توطئه جان سالم به در برد، از لحاظ حقوقی چه اقدامی می‌تواند انجام دهد؟

نخست باید به این نکته توجه داشت که فرد مورد سوء قصد در کدام کشور است. برای نمونه در ترکیه، دادگاه‌های این کشور در عمل توان انجام کاری را ندارند، ولی اگر در کشوری همچون آمریکا و کانادا تابعیت داشته باشد، او می‌تواند شکایت کند و شاید به نتیجه برسد. از نظر بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی هم، به‌عنوان گزارش‌گر سازمان ملل می‌تواند در بیانیه‌هایش به این موارد اشاره کند.

برخورد با ایران برسند و مسامحه نکنند، ممکن است وضع به گونه‌ای دیگر رقم بخورد.

**سوال:** آیا می‌توان علیه جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی اعلام جرم کرد؟ اگر می‌شود ساز و کار آن به چه ترتیب است و از چه نهادی می‌توان اقدام کرد؟

در این مورد باید از طرف دیوان بین‌المللی کیفری اقدام کرد. البته کشور مورد محاکمه باید اساسنامه این دیوان را پذیرفته باشد که جمهوری اسلامی آن را نپذیرفته است. در عمل این امکان وجود ندارد و ضمانت اجرایی آن کامل نیست.

در رابطه با موضوعات موردی، شورای امنیت سازمان ملل، پنج قدرت عضو دائم این شورا، می‌توانند برای موضوعات موردی دادگاهی تشکیل دهند. همچون مورد یوگوسلاوی سابق. در رابطه با ایران به علل گوناگون این امکان وجود ندارد. برای اروپا، آمریکا و قدرت‌های حاضر در شورای امنیت این مسأله آنقدر جدی نیست. افزون بر این، روسیه و چین هم در این شورا حضور دارند. در زمینه یوگوسلاوی هم بعد از چندین سال و پس از کشتارها که طی مدت زمان طولانی انجام شد، دادگاهی تشکیل دادند. با شرایط موجود شورای امنیت سازمان ملل هم این کار را نمی‌کند.

**سوال:** از گفته‌های شما چنین برداشت می‌شود که ممکن است روسیه و چین به عنوان کشورهایی که منافع‌شان در گرو بقای جمهوری اسلامی است از حق و تو خود در سازمان ملل متحد برای جلوگیری از وضع یک مجازات بین‌المللی علیه حکومت

## آدم‌ربایی دولتی، وجهی از ماهیت جمهوری اسلامی



نقی محمودی

کمونیست‌های ایران و طوفان بودند که برخی از آنها بعد از بهمن پنجاه و هفت، تشکیل شده بودند و دسته‌ای دیگر مثل حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (انشعاب در سال ۵۹ به اقلیت و اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران، احزاب و سازمان‌های تاسیس و تشکیل شده در قبل از بهمن پنجاه و هفت بودند. شیوه‌های سرکوب و حذف جمهوری اسلامی همیشه یکسان نبوده است. گاه از در تهدید وارد شده، گاه از در تطمیع و گاه از طریق حذف فیزیکی در داخل کشور (خاصه در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی)، حذف فیزیکی در خارج از کشور و در سال‌های اخیر از طریق آدم‌ربایی در خارج از کشور و شکنجه و اعدام در داخل کشور.

**دستگاه ترور و آدم‌ربایی جمهوری اسلامی در کشورهای همسایه** جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و حذف مخالفان را به داخل کشور محدود نکرده و اختاپوس‌وار دست‌ان خود را برای این منظور به کشورهای خارجی نیز دراز کرد. این نفوذ در کشورهای همسایه مثل پاکستان، افغانستان و مهم‌تر از همه، جمهوری ترکیه که اولین و نزدیک‌ترین پناهگاه مخالفان جمهوری اسلامی و همچنین پلی برای ترانزیت آنان به کشورهای ثالث من‌تر محسوب می‌شد، بیش‌تر است.

جمهوری اسلامی از اولین روز استقرار حاکمیت خود تا به امروز، هیچ مخالف و مخالفتی را برنتابیده و به اشکال مختلف سعی در سرکوب و حذف مخالفان کرده است. اعدام مقامات رژیم پهلوی در پشت بام مدرسه‌ی رفاه، اولین گام جمهوری اسلامی در حذف مخالفان بود اما اقدامات و تلاش‌های جمهوری اسلامی در این راستا تنها در این گام نخست خلاصه نمی‌شود. بازداشت‌های کوتاه‌مدت، بلند مدت و محکومیت‌های حبس و در بعضی موارد اعدام اعضا و هواداران احزاب و سازمان سیاسی‌ای که اکثرشان در دوران حاکمیت پهلوی تشکیل شده و نضج گرفته بودند، از قدم‌های بعدی جمهوری اسلامی است.

اقدامات جمهوری اسلامی در بازداشت اعضای اصلی و هواداران سازمان‌ها و احزاب سیاسی تا سال ۶۱ به شدت و حدت کامل ادامه یافت؛ تا جایی که یا عملاً به نابودی این احزاب و سازمان‌های سیاسی انجامید و یا امکان فعالیت در داخل کشور برای شان مقدور نشد و مثل سازمان مجاهدین خلق ایران به خارج از ایران کوچ کردند.

دسته‌ای از این احزاب و سازمان‌ها، تشکلهایی مثل پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، آرمان مستضعفین، اتحادیه‌ی



همین ویژگی، ترکیه را تبدیل به مکانی مطلوب برای عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی به منظور کنترل یا حذف مخالفان کرد. تشکیلات نهضت مقاومت ملی تحت رهبری شاپور بختیار (آخرین نخست وزیر شاه) بیشتر اعضای خود را به ترکیه گسیل داده بود و از میان آنها چندین نفر توسط عوامل کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول ترکیه کشته شدند. بنابه گزارش مطبوعات ترکیه، حداقل در یک مورد، ضاربین پس از انجام ترور به کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول، پناه بردند.

اعضا و کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران از قربانیان اصلی ترور و گروگانگیری در ترکیه بودند. علی اکبر قربانی روز ۱۴ مرداد ۱۳۷۱ در محله شیشلی استانبول، زمانی که می‌خواست سوار اتومبیلش شود، ربوده شد. دو نفر با لباس پلیس به او مراجعه کرده و با نشان دادن کارت شناسایی پلیس از وی خواستند که برای پاسخ به چند سؤال با آنها به اداره پلیس برود. علی اکبر قربانی که به آنها شک کرده بود، شروع به سؤال کردن از آنها کرد اما مورد حمله قرار گرفت. مهاجمان با استفاده از مواد بیهوش کننده او را بیهوش کرده و با خود بردند. این تروریستها علی اکبر قربانی را به خانه‌ای در قسمت آسیایی استانبول منتقل کردند و در آنجا ۵ شکنجه‌گروزارت اطلاعات رژیم ایران بازجویی و شکنجه او را شروع می‌کنند.

یک روز بعد، ۱۵ خرداد ۱۳۷۱ تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی، دو خودرو مجاهدین را در استانبول بمب‌گذاری کردند، اما مجاهدین قبل از سوار شدن متوجه بمب‌ها شدند و پلیس آنها را خنثی کرد. کارشناس پلیس قدرت تخریبی هر یک از آنها را معادل ۵۰ کیلوتی.ان.تی ارزیابی نمود. تحقیقات بعدی نشان داد که مواد انفجاری از نوع C۴ بوده و از طریق بسته‌های دیپلماتیک از تهران به استانبول منتقل شده است. ربودن علی اکبر قربانی و بمب‌گذاری خودروهای مجاهدین، عملیات مشترک وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران بود. این تصمیمات در شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، به ریاست اکبر هاشمی رفسنجانی و با تصویب سیدعلی خامنه‌ای، به تصویب رسیده بود.

روز شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۷۱ جلسه شورای عالی امنیت ملی

با حضور خامنه‌ای تشکیل شده از طرف وزارت اطلاعات فلاحیان و مصطفی پورمحمدی قائم‌مقام او در این جلسه شرکت داشتند. در این جلسه به‌خاطر مخاطرات انتقال علی اکبر قربانی به ایران و با توجه به تجربه ناموفق انتقال ابولحسن مجتهدزاده، تصمیم گرفته شد علی اکبر قربانی در ترکیه تحت بازجویی و شکنجه قرار گیرد و پس از تخلیه‌ی اطلاعات، به زندگی‌اش خاتمه داده شود.

عامل قتل علی اکبر قربانی، آخوندی به نام علی اکبریان از تربیت شدگان مدرسه حقانی قم است. همچنین ۳ نفر از ربایندگان علی اکبر قربانی، از شهروندان ترکیه بودند که در ایران آموزش دیده بودند. افراد مذکور در ترور دو نفر از روزنامه نگاران مشهور ترکیه به نام‌های چتین امیچ (Çetin Emeç) و اوغور مومچو (Uğur Mumcu) نیز مشارکت داشته‌اند. اوغور مومچو، مقالاتی در انتقاد از جمهوری اسلامی می‌نوشت. ماجرای گروگانگیری و قتل علی اکبر قربانی از زبان یکی از تروریست‌های جمهوری اسلامی به نام محمت علی شکر (Mehmet Ali şeker) که در بهمن ۱۳۷۱ دستگیر شد بدین شرح است: «... بعد از قتل “چتین‌امیچ” روزنامه‌نگار از



روزنامه حریت که در آن عملیات نقش دیدبانی را داشتیم به تهران فرار کردم. مدتی در پادگانی بین تهران و قم تحت آموزش بودم و سپس با پاسپورت دیپلماتیک به ترکیه بازگشتم. این بار مأموریت مراقبت و دیدبانی بر روی علی اکبر قربانی به عهده‌ام قرار گرفت. در مرحله انجام عملیات دو نفر با نامهای مستعار “مسعود” و “عارف” در حالی که لباس پلیس‌های ترکیه را برتن داشتند با یک مینی‌بوس سرقت شده علی اکبر قربانی را در حوالی ظهر ۱۴ خرداد ۱۳۷۱ از محله شیشلی در استانبول ربوده و به یک ویلای کرایه‌ای مدرن و گرانقیمت در ۵ کیلومتری شهر “یالوا” در مسیر شهر “کارامورسل” پشت شهرک “پنار” آوردیم. ۵ نفر ایرانی برای بازجویی آنجا بودند که علی اکبر قربانی را تحویل گرفتند. سپس علی اکبر قربانی را به اتاق زیرزمین بردیم.»

علی شکر می‌گوید: «بعد از دفن علی اکبر قربانی ما با هواپیما به تهران رفتیم. در آنجا شخصی به نام محمود از ما استقبال کرد، سپس ما را به «پادگان نظامی» بردند که افرادی ریشودر آنجا مستقر بودند.»

تلویزیون کانال D ترکیه نیز در این باره گزارشی تهیه کرد که بر

اساس آن: «۵ نفر از تروریستهایی که در قتل اوغور مومچو دست داشتند، دستگیر شدند که در بازجویی‌ها به قتل اوغور مومچو اعتراف کرده‌اند. آنها اعتراف کردند که همگی در ایران آموزش دیده و دستور قتل مومچو از ایران صادر شده بود. تلویزیون کانال D ترکیه گفت دستگیرشدگان اعتراف کرده‌اند که علی اکبر قربانی، یک مخالف رژیم ایران را نیز با دستور رژیم ایران دزدیده، شکنجه و بازجویی کرده و بعد به قتل رسانده‌اند.»

همچنین روزنامه استار چاپ ترکیه طی گزارشی به دست‌داشتن ۸ تروریست رژیم جمهوری اسلامی، در ترور اوغور مومچو، نویسنده روزنامه جمهورییت اشاره کرد. بنا به این گزارش، ۷ دیپلمات تروریست و یک تروریست که در پوشش خبرنگار دفتر خبرگزاری در ترکیه فعالیت می‌کرد، به فعالیت‌های تروریستی - جاسوسی در ترکیه مشغول بوده‌اند.

ابوالحسن مجتهدزاده بود که مأموران رژیم آخوندی در سال ۱۳۶۷ زمانی که منوچهر متکی (وزیر امور خارجه بعدی در دولت احمدی نژاد) سفیر جمهوری اسلامی در ترکیه بود، او را ربودند و در کنسولگری استانبول زیر نظر مستقیم متکی زندانی و شکنجه کردند. سپس تصمیم گرفتند که مجتهد زاده را به ایران منتقل کنند. دست و پا و دهان او را با چسب بسته بندی محکم بسته و در صندوق عقب اتومبیل با پلاک دیپلماتیک قرار داده و به سمت ایران حرکت کردند. نزدیکی مرز ایران و ترکیه، بنزین اتومبیل تمام شد و زمانی که قصد پر کردن باک را داشتند، کارگر پمپ بنزین متوجه صدای یک شخص در صندوق عقب خودرو شد. شبکه‌ی تلویزیونی العربیه، فیلم‌مستندی به نام «دورانی در جهنم» در ارتباط با این آدم‌ربایی ساخته و پخش کرده است. آدم‌ربایی ناموفق یکی دیگر از اعضای سازمان مجاهدین خلق (محمد سید المحدثین) در ترکیه - که در جریان آن یکی از اعضای همین سازمان به نام حسین عابدینی به شدت زخمی شد - یکی دیگر از موارد آدم‌ربایی در کارنامه‌ی سیاه جمهوری اسلامی، است.

#### از ترور تا آدم‌ربایی

ماشین ترور جمهوری اسلامی در خارج از کشور، لیست بلند

بالائی از نویسندگان، شاعران، اعضای احزاب و سازمان‌های سیاسی را دارد که در کشورهای مختلف، توسط مامورین بومی جمهوری اسلامی یا مزدوران خارجی ترور شده‌اند. از شهرام شفیق خواهرزاده‌ی محمدرضا پهلوی تا فریدون فرخزاد، در لیست جای دارند. عدم اقدام قاطع دادگستری کشورهای اروپائی در سایه‌ی بده و بستان‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های اروپائی با جمهوری اسلامی، باعث تداوم و عریض و طویل شدن این لیست شد.

لیستی که خوشبختانه با رسیدگی به پرونده‌ی مشهور «رستوران میکونوس» در آلمان به مدت چندین سال بسته ماند. هر چند که در سال‌های اخیر با ترور مسعود مولوی و سعید کریمیان مدیر شبکه‌ی جم، ابعاد دیگری به خود گرفته است.

با این حال، آدم‌ربایی در خارج از کشور و انتقال مخالفین به داخل کشور نیز ادامه دارد. حداقل پنج مورد موفق و یک مورد ناموفق در سال‌های اخیر، در همین ارتباط به ثبت رسیده است. ربودن فرود فولادوند، عبدالمالک ریگی، روح الله زم در عراق، جمشید شارمهد در امارات متحده عربی، حبیب اسبود در ترکیه از آدم‌ربائی‌های موفقیت آمیز جمهوری اسلامی، محسوب می‌شوند. در ماه‌های اخیر، تلاش به ربودن مسیح علی‌نژاد در آمریکا و انتقال وی به ایران موردی ناموفق از این گونه تلاش‌هاست. وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد یک تیم چهار نفره دست کم از ژوئن ۲۰۲۰ برنامه‌ریزی کرده‌اند که مسیح علی‌نژاد روزنامه نگار را از بروکلین برابند، اما این برنامه‌ریزی خنثی شده است.

براساس این بیانیه، علیرضا شوارقی فراهانی، ۵۰ ساله، محمود خاضعین، ۴۲ ساله، کیا صادقی ۳۵ ساله و امید نوری ۴۵ سال همگی شهروند ایران متهم شده‌اند که قصد داشتند این روزنامه نگار را ربوده و به ایران منتقل کنند. افراد مذکور در حال حاضر، در ایران به سر می‌برند ولی نیلوفر بهادری فر معروف به نلی بهادری فر که اکنون ساکن کالیفرنیا است به همدستی با این افراد متهم شده است. اتهام نیلوفر بهادری ارائه خدمات مالی به این افراد برای این توطئه اعلام شده است. او در حال حاضر حاضر با قرار وثیقه آزاد است.

توافق‌نامه بین‌المللی حمایت از اشخاص در برابر بازداشت غیر

#### قانونی و آدم‌ربایی

جرم آدم‌ربایی از جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص و علیه سلب آزادی تن است. جرم مذکور در صورتی تحقق می‌یابد که بزه‌دیده رضایتی در حین و قبل از وقوع جرم نسبت به آن جرائم نداشته باشد. آدم‌ربایی از جمله جرائمی است که از روی عمد و با سوءنیت صورت می‌گیرند. همچنین جزء جرائم مطلق هستند که صرف ارتکاب توقیف و ربودن اشخاص موجب تحقق جرم است و نیازی به احراز سوءنیت خاص مجرم نیست.

جرائم مذکور از لحاظ عنصرمادی جرم از جرایم ساده می‌باشند که رکن مادی آنها از یک جزء تشکیل شده است و نیز جزء جرائم مستمر هستند که از لحظه توقیف و ربودن فرد تا زمان آزادی فرد توقیف یا ربوده شده، ارکان تشکیل دهنده جرائم توقیف غیر قانونی و آدم‌ربایی دائم در حال تجدید حیات است و زمان وقوع جرم، لحظه قطع استمرار یعنی آزادی فرد توقیف یا ربوده شده است.

در قوانین داخلی کشورها مجازات مختلفی برای جرم آدم‌ربایی پیش‌بینی شده است اما وقتی یک حکومت مبادرت به ارتکاب چنین جرمی می‌کند به کجا باید شکایت برد؟! توافق‌نامه بین‌المللی حمایت از اشخاص در برابر بازداشت غیر قانونی و آدم‌ربایی برای چنین مواردی تصویب شده است ولی جمهوری اسلامی، مثل برخی از کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی حاضر به اجرای مفاد و مقررات آن نیست زیرا حیات جمهوری اسلامی، در سرکوب، ارعاب و حذف هر صدای دگراندیش است.

متأسفانه تا به حال قطعنامه‌های مختلف صادره از سوی سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری نیز مانع و رادعی در راستای توقف اقدامات ضد حقوق بشری جمهوری اسلامی نشده است. تنها راه حل در وضعیت موجود، قطع مناسبات سیاسی و اقتصادی کشورهای عمده اقتصادی با جمهوری اسلامی است که تاکنون به وقوع نپیوسته است و باید به تغییر رویکرد این کشورها در قبال جمهوری اسلامی، امیدوار بود.

## حقوق ما

### ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net